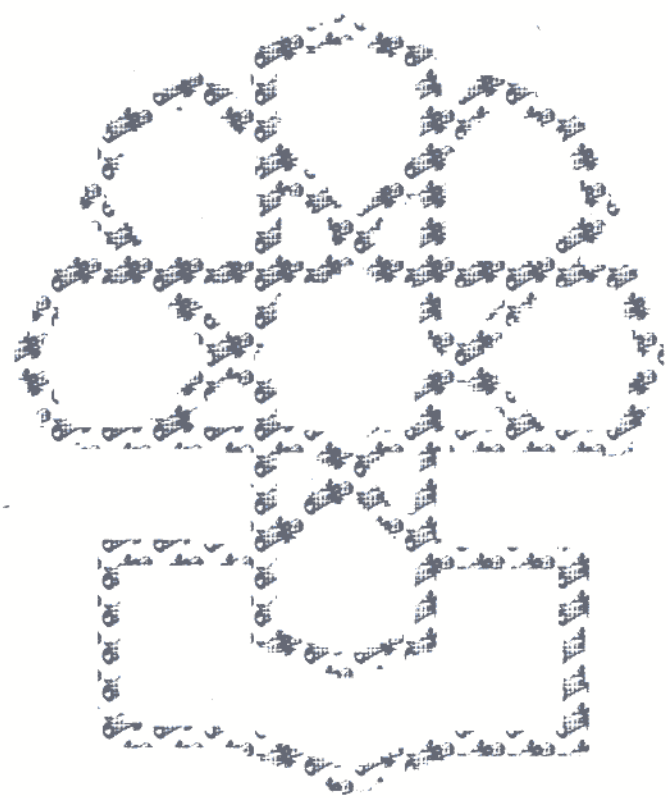


۲۰۰۱

۱۰۰۱



دیدگاه‌های دو جریان سیاسی



معاونت پژوهشی
اسفند ۱۳۷۵

کار: دفتر خدمات اطلاع رسانی

کد گزارش: ۴۲۰۲۰۰۱

در سالروز ۱۳ آبان، روز دانش‌آموز. تبعید امام خمینی (ره) و روز به وقوع پیوستن تسخیر لانه جاسوسی امریکا که از سوی حضرت امام، انقلاب دوم نام گرفت. جلسه پرسش و پاسخی در سالن آمفی تاتر دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد و با حضور آقایان مهندس سید مرتضی نبوی از نمایندگان جناح روحانیت مبارز در مجلس شورای اسلامی و مهندس بهزاد نبوی از جناح روحانیون مبارز برگزار شد. در این جلسه که به دعوت دفتر مرکزی انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های فردوسی و علوم پزشکی مشهد تشکیل شد، مدعوین به پرسش‌های دانشجویان در خصوص مسائل انتخابات مجلس شورای اسلامی. انتخابات ریاست جمهوری و دیدگاه‌های فکری و سیاسی دو جناح پاسخ گفتند.

مجری: مهندس مرتضی نبوی، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی و سر دبیر روزنامه رسالت از چهره‌های شاخص و شناخته شده امروز در صحنه سیاست کشور ما هستند و عمدتاً در قطب سیاسی امروز، ایشان به عنوان یکی از سخنگویان و نمایندگان جناح همسو با تشکل‌های همسو مطرح هستند. البته به علت این که هنوز حزب در کشور مانه‌آدینه نشده است نمی‌توانیم از ایشان به عنوان سخنگوی رسمی یک جناح صحبت به میان آوریم؛ ولی جلسات ما شروعی است با کسانی که عرفاً به عنوان نمایندگان شاخص و برجسته یکی از گروه‌های سیاسی پذیرفته شده‌اند. به عنوان یادآوری باید اضافه کنم که آقای نبوی در دولت مهندس موسوی، وزیر پست و تلگراف و تلفن بودند.

برادر عزیز دیگری که در اینجا حضور دارند، مهندس بهزاد نبوی، سخنگوی دولت شهید رجایی و هشت سال وزیر صنایع سنگین در دولت مهندس موسوی بودند و از چهره‌های بارز و شناخته شده جناح خط امام هستند که هنوز هم در صحنه سیاسی حضور دارند.

این جلسه در جهت شفاف‌تر کردن مواضع گروه‌هاست تا دانشجویان ما که آینده‌سازان مملکت هستند و باید روزی در صحنه سیاسی و اجرایی مملکت جانشین این بزرگواران باشند، ان شاء الله بتوانند در آینده، اندیشه سیاسی مملکت را به سمت و سوی سوق دهند که بتوانیم اهداف بنیانگذار را حل انقلاب را هر چه بیشتر اجرا کنیم. گرچه انجمن اسلامی دانشجویان خود در اطلاعیه‌ها، مواضع، بیانیه‌ها و راهپیمایی‌ها، موضع مشخص و شفاف در رابطه با مسائل سیاسی اتخاذ کرده و در روزنامه‌های مختلف هم این موضع انعکاس داشته ولی ما در این جلسه کاملاً بی‌طرف هستیم و داوری را به عهده شما (حاضر در جلسه) می‌گذاریم. مسئله‌ای که باید متذکر شویم این است که در این جلسه قصد معرفی جناح پیروز یا شکست خورده را نداریم. به عبارت دیگر، جلسه امروز ما فرد پیروز یا شکست خورده‌ای نخواهد داشت. همان گونه که عرض شد ما به عنوان نمایندگان شما دانشجویان در عرصه سیاسی دانشگاه، این امکان و فرصت را برای شما فراهم می‌کنیم تا ان شاء الله

خودتان با معلوماتی که داشته و مطالعاتی که انجام می‌دهید قضاوتی عادلانه از مسائل داشته باشید. مسئله ضروری دیگر، گرامی‌داشت هفته مبارزه با استکبار جهانی است. همان گونه که مقام معظم رهبری نیز روز گذشته اشاره فرمودند، مراسم امسال شکوه بیشتری داشت، در دانشگاه‌های مشهد (فردوسی و علوم پزشکی) برادران انجمن اسلامی دانشجویان، در اکثر دانشگاه‌ها مراسم مفصلی داشتند و این نتیجه فرمایش مقام معظم رهبری است که دانشگاه را به سمت سیاسی شدن و ارائه تحلیل فرا خواندند. از سوی شورای مرکزی انجمن اسلامی، از دانشجویان عزیزی که امروز در راهپیمایی سیزده آبان فعالانه و با شکوه و با صلابت و با شعارهایی که از عمق جانشان بر می‌خواست، به صحنه آمدند، تشکر کنم و امیدوار هستیم که حضور شما را در عمل نیز شاهد باشیم که الحمدلله تا حدود زیادی شاهد هستیم و این می‌طلبد که دانشگاه مشهد به عنوان دومین دانشگاه بزرگ ایران، ان شاء الله در صحنه سیاسی مملکت حضوری فعال تراز آنچه که اکنون ایفا می‌کند، داشته باشد.

مهندس سید مرتضی نبوی: سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به دست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را خدمت شما برادران و خواهران گرامی، صمیمانه تبریک عرض می‌کنیم.

این ایام مصادف با میلاد مسعود دخت گرامی رسول گرامی اسلام و همچنین امام راحل، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است که این مناسبت‌ها را نیز خدمت شما تبریک عرض می‌کنم.

برای نسل دانشجوی ما افتخار بزرگی است که انقلاب دوم را به وجود آوردند و به انقلاب ما و جهت جهانی و بین‌المللی بخشیدند و مرحله دوم انقلاب را، که از ابتدا نیز در طراحی حضرت امام (ره) بود، جامه تحقق پوشاندند. حضرت امام در بعد داخلی، سرنگونی رژیم منفور شاهنشاهی وابسته، و در سطح منطقه نیز ضدیت و مبارزه با اسرائیل و در سطح جهان مبارزه با آمریکا و استکبار جهانی را مد نظر داشتند.

به عنوان مقدمه اشاره‌ای داشته باشیم به پایگاه اعتقادی مبارزه با استکبار فرهنگی، که برخاسته از قرآن است و ما را در این جهت تربیت می‌کند. اصولاً از دید قرآن هیچ انسانی حق ندارد که خود را نسبت به دیگران، برتر و دارای مزیت ببیند. تحت عنوان آیه‌ای که در سوره قصص است «تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الارض ولا فساداً والعاقبة للمتقين» علی (ع) می‌فرماید که: این آیه در مورد زمامداری است که اهل عدل و تواضع هستند و کسانی که صاحب قدرت می‌باشند. معنای آیه این است که بهشت جایگاه کسانی است که خود را در روی زمین برتر از دیگران نمی‌بینند و حضرت علی (ع) در حدیثی می‌فرماید که: حتی اگر کسی به این اندازه که بند کفش خود را بهتر از دیگری ببیند، خودش را برتر از دیگران بیندارد، مشمول آن آیه‌ای می‌شود که بهشت بر او حرام می‌شود و لذا از نظر اسلام تمام امتیازخواهی‌ها و برتری‌جویی‌ها و استکبار منفور است. حضرت علی (ع) در جای دیگر می‌فرماید: «وقتی که ابلیس استکبار کرد و از آسمان رانده شد بدانید که قانون خدا در زمین و آسمان یکسان بود و اگر کسی در روی زمین هم تکبر بورزد و دچار استکبار شود، همین قانون در مورد او نیز جاری است». اصولاً بندگی در قبال خدا و وقتی که همه خود را بنده و مخلوق خدا بدانند، جایی برای خود برتریتی انسان باقی نمی‌گذارد و به نظر می‌رسد که اگر ما نفس خودمان را این گونه تربیت کنیم که از درون، خود را نسبت به دیگران دارای امتیاز ندانیم، آن موقع از بیرون هم هیچ تکبر و استکباری را نخواهیم پذیرفت. و هر مقداری که نفس ما دچار تکبر و استکبار باشد، اگر مستکبر گردن فرازتری پیدا شد، یقیناً در مقابل امر او تواضع خواهیم کرد. لذا وقتی که ریشه استکبار به صورت عمقی از وجود انسان زدوده شود، طبعاً انسان صاحب اراده‌ای خواهد شد و با توکل

به خدا، زیر بار هیچ ستمگر و مستکبری نخواهد رفت و مردم ما بر اساس همین اعتقاد به رهبری حضرت امام (ره) یکی از طاغوت‌های وابسته را از این کشور بیرون راندند و بعد هم به مبارزه با استکبار جهانی پرداختند. خطر بازگشت استکبار، زمانی است که ما چنین حالت روحی، روانی و نفسانی را از دست بدهیم و این تربیت را نداشته باشیم که خود را تنها بنده خدا احساس کنیم و همیشه در حال مبارزه با خوی استکباری و برتری جویی باشیم. اگر این تربیت در جامعه‌ای رونق داشته باشد و غالب باشد، به یقین به هیچ وجه نه به زمامداران خود و نه به هیچ حکومتی در سطح کره زمین، اجازه خواهند داد که روش استکباری پیش گیرند و با مردم رفتاری مستکبرانه داشته باشند. لذا، توجه به پایگاه تربیتی و جهان‌بینی اسلام در این زمینه بسیار مهم است، تا این روحیه استکبارستیزی را استقرار بخشیده و همواره این پرچم در سرزمین ما برافراشته باشد.

آقای مهندس بهزاد نبوی: با سلام و تشکر از شما برادران و خواهران عزیز، بنده هم به سهم خود، ایام خجسته ولادت زهرا (س) و فرزند گرامی ایشان، حضرت امام خمینی (ره) را خدمت عزیزان تبریک عرض می‌کنم. سالروز سیزده آبان روز دانش‌آموز، سالروز تبعید حضرت امام و سالروز اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان و حزب الله که اسلاف شما عزیزان می‌باشند را گرامی می‌داریم.

برادرمان آقای مرتضی نبوی با بیانات شیوای خود به تشریح اهمیت مبارزه با استکبار و زوایای مختلفی که می‌تواند استکبارستیزی داشته باشد، ما را مستفیض کردند. من سعی می‌کنم در رابطه با اشغال لانه جاسوسی که حضرت امام از آن به عنوان انقلاب مردم یاد کردند، مسئله را قدری باز کنم و نتیجه‌اش را به عرض شما برسانم.

اشغال لانه جاسوسی امریکا در ایران، سرنوشت انقلاب و نظام اسلامی ما را رقم زد و بی دلیل نبود که امام به آن نام انقلاب دوم و انقلاب بزرگ‌تر از انقلاب اول را دادند. دوستانی که سن و سالی از آنها گذشته است اگر شرایط و اوضاع و احوال اول انقلاب را به خاطر داشته باشند، به یاد می‌آورند که در ماه‌های اول انقلاب، دچار مشکلات بیرونی و درونی فراوانی در انقلابمان بودیم، که اشغال لانه جاسوسی در این مقطع، تقریباً به هر دو مشکل ما خاتمه داد. از نظر بیرونی، انقلاب شرایط بسیار دشواری را می‌گذراند. به این معنی که هر روز ما در کشور شاهد هرج و مرج، آشوب و به هم ریختگی‌هایی بودیم که توسط گروه‌های محارب و مخالف انقلاب ما انجام می‌شد. نوعی حکومت ناپذیری در کشور مستقر شده بود. هر روز عده‌ای تحت عنوان دانشجوی در خیابان‌ها راهپیمایی می‌کردند و مرکزی را تصرف و اشغال می‌کردند، حال به عنوان خوابگاه یا به عنوان یک کانون آموزشی، می‌خواستند از آن استفاده کنند. هیچ کدام از هتل‌های تهران دیگر برای مسافریان امنیت نداشت و همه به تصرف درآمده بود. هیچ کدام از ساختمان‌های دولتی امنیت نداشتند. این اوضاع و احوال کشور در آستانه اشغال لانه جاسوسی بود.

از نظر درونی، تفکری بر نظام حاکم بود که خیلی بود، مشکل انقلاب، مشکل کشور و نظام را توسط امریکا حل کنیم. متأسفانه این تفکر امروز هم در جامعه ما هست و چون امروز هست بعضی از دوستان ما فکر می‌کنند که اگر هفده سال قبل این تفکر را قبول می‌کردیم خیلی خوب بود، چرا هفده سال عقب انداختیم و خودمان را دچار این همه مشکل کردیم. ولی واقعیت این بود که چه آن زمان و چه امروز، این تفکر، مشابه دیدگاهی است که در دوران نهضت ملی به کار گرفته شده بود که در آن موقع به اعتقاد من، پاسخ می‌داد ولی در این دوره پاسخ نمی‌داد. با آن دیدگاه، نه از موضع وابستگی بلکه با دیدگاه خاصی که نسبت به ارتباط با امریکا داشتند، فکر می‌کردند برای این که مشکلات کشور و نظام را حل کنند باید با امریکا ارتباط ایجاد کرد.

و خوشبختانه حرکت اشغال لانه جاسوسی به هر دو این معضلات خاتمه داد. اولاً انقلاب و نظام را از بیرون و بعد بیرونی قدرتمند کرد، و روح تازه‌ای در درون این پیکر انقلابی دمید، و ثانیاً تمام حرکت‌های هرج و مرج طلبانه خاتمه پیدا کرد و حرکت عظیمی در سطح بیرونی و مردمی، جایگزین آن شد که مانع تمام آن هرج و مرج‌ها و اختلالاتی شد که در کار انقلاب، توسط گروه‌های محارب انقلاب ایجاد می‌شد. از بعد درونی هم به خط معتقد به سازش با امریکا جواب نه داد و آن خط را از صحنه بیرون کرد.

بعضی افراد می‌گویند اشغال لانه جاسوسی به خاطر مبارزه با امریکا نبوده، بلکه به این دلیل بوده تا عده‌ای از قدرت کناره‌گیری کرده و عده دیگری سرکار بیایند. می‌گویند که نتیجه جبری «نه» گفتن به استکبار و امریکا، این بود که خط معتقد به حل مشکلات از طریق امریکا و این که با همراهی و هماهنگی امریکا می‌توان مشکلات را حل کرد، مجبور شد تا صحنه قدرت را ترک کند. بعد از اشغال لانه جاسوسی این حرکت انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مورد تأیید کامل حضرت امام (ره) قرار گرفت. لذا بنده مجدداً این روز را به خدمت همه عزیزان، تبریک عرض می‌کنم. شما، وارثین و اخلاف آن عزیزان هستید. امیدوارم همان گونه که این حرکت آنها، سرنوشت انقلاب را رقم زد و منشأ اثرات بسیار تعیین کننده در تاریخ انقلاب ما شد، حرکت‌های آتی شما نیز چنین نقش‌هایی را در انقلاب ما داشته باشد.

س: برادر گرامی جناب آقای مهندس سید مرتضی نبوی، علت پافشاری برخی از همسویان جامعه روحانیت مبارز به این که رئیس جمهور بایستی حتماً روحانی باشد، چیست؟ در حالی که اگر واقعاً به چنین چیزی نیاز بود، در قانون اساسی به آن پرداخته می‌شد. به نظر شما آیا این یک تاکتیک در جهت رأی آوردن کاندیدای جناح شما در مقابل رقیب قدرتمندی مثل مهندس موسوی نیست؟

ج - آقای مرتضی نبوی: در مورد قانون اساسی باید عرض شود که عنوان شاخصی که برای رئیس جمهوری تعیین شده، این است که از میان رجال مذهبی و سیاسی باشد. هر چند کلمه مذهبی به سیاسی مقدم شده است. اما صرفاً رجل مذهبی بودن و یا صرفاً رجل سیاسی بودن نمی‌تواند خصوصیت کافی برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری باشد. در این مقطع با توجه به این که بحث تهاجم فرهنگی و مسائل ارزشی و اعتقادی هم مطرح است به نظر می‌رسد که تکیه بر روی رجلی که هم مذهبی و هم سیاسی باشند، حایز اهمیت بسیاری می‌باشد. البته بنده این مطلب را در جای دیگر نیز عرض کردم که وقتی می‌گوییم رجل مذهبی به معنای این نیست که حتماً روحانی باشد. مثالی هم که عرض کردم این که شهید رجایی در زمان ریاست جمهوری خود، یک رجل مذهبی بود. مسلط به قرآن، وارد به تفسیر قرآن بود. در سخن و عمل خود استشهد به آیات قرآن داشت و خلاصه این که جامعه و مردم علاوه بر این که او را به عنوان یک رجل سیاسی می‌شناختند به عنوان یک رجل مذهبی نیز می‌شناختند؛ اما این که تأکیدی در بین دوستان ما هست و فکر می‌کنند و به عنوان نظر خود می‌گویند رئیس جمهور و یا نامزدهای انتخابی روحانی باشند، به نظر می‌رسد به عنوان یک دیدگاه در جایگاه خود محترم است. در هر حال، روحانیت در جامعه ما دارای جایگاه خاصی می‌باشد، نفوذ و اقتدار خاصی دارد و مسئولیت فراگیر ریاست جمهوری در سطح کشور، به چنین اقتداری نیاز دارد. در مورد آقای مهندس موسوی هم تقریباً همه دوستان از این که ایشان وارد صحنه شوند، استقبال داشتند، حال خود ایشان امتناع کردند، ما هم از این مسئله خوشایند نیستیم و فکر می‌کنیم که اگر ایشان در صحنه بیایند، حتماً نشاط سیاسی و رقابت در انتخابات ریاست جمهوری بهتر می‌شود. لذا لطیف و جریانی که چنین اعتقادی دارد، نمی‌تواند بحث روحانی بودن کاندیداتوری ریاست جمهوری را به عنوان یک

تا کتیک برای از صحنه خارج کردن یا هر چیز دیگری برای آقای مهندس موسوی مطرح کند.

س: آقای مهندس بهزاد نبوی با توجه به این که آقای مهندس موسوی کاندیدای جناح شما است، به نظر جنابعالی چه مسئله‌ای پیش آمده که ایشان مجبور به امتناع از کاندیداتوری می‌شدند. به نظر می‌رسد در جناح شما فرد دیگری وجود ندارد، آیا این به تشت بیش از پیش جناح شما نمی‌انجامد؟ با توجه به این که شما در انتخابات مجلس شکست خوردید، آینده سیاسی جناح چپ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج - مهندس بهزاد نبوی: اولاً این که آقای مهندس موسوی، کاندیدای شورای هماهنگی خط امام بودند ولی الان دیگر نیستند، چون امتناع قطعی خود را از کاندیداتوری اعلام کردند. بنده سه روز قبل از این که ایشان اعلام امتناع کنند و امتناع خود را از طریق وسایل ارتباط جمعی، اعلام کنند، به اتفاق شورای هماهنگی، دیداری با ایشان داشتیم. مواضع ایشان بسیار مثبت‌تر از دیدارهای قبلی بود. در دیدارهای قبلی، ایشان از پیش شرط گذاشتند که اگر با من دیدار می‌کنید بدانید که من برای ریاست جمهوری کاندیدانمی‌شوم؛ ولی این بار نه تنها پیش شرطی نگذاشتند بلکه گفتند، بله، من هم از طرف گروه‌های مختلف و اقشار مردم، تحت فشار هستم. از الان فکر می‌کنم و جدی هم فکر می‌کنم، امیدوارم به یک نتیجه‌ای برسم. البته توجه می‌کنید که این، باز هم به معنای پاسخ مثبت نیست. برای ما که قبلاً از ایشان پاسخ منفی شنیده بودیم این پاسخ، خیلی مثبت بود و این صحبت را ایشان دو روز و نیم قبل از اعلام انصراف با ما داشتند. در آن فاصله ما اطلاع نداریم که چه اتفاقی افتاد که ایشان اعلام انصراف کردند و بعد از آن هم ظاهراً ایشان به مسافرت رفتند و گفته‌اند تا مدت یک ماه، باز نخواهند گشت. لذا دست ما هم از ایشان کوتاه است تا مشخص شود که دلیل امتناع ایشان از پذیرش نامزدی نیروهای مختلف چه بوده است. البته ممکن است دلایل مختلفی هم وجود داشته باشد که من نمی‌توانم هیچ کدام را دخیل بدانم. برادرمان مهندس مرتضی نبوی فرمودند که کناره‌گیری ایشان از نظرایشان و دوستانشان خوش‌آیند نیست، ضمن این که مدارک و اسنادی است که خلاف این را نشان می‌دهد. اگر شما نشریه ایشان را به تمامی مطالعه کنید، از روزی که بحث کاندیداتوری مهندس موسوی بود، نمی‌بینیم که ایشان اظهار خوشنودی داشته باشند. بولتنی از انتشارات تشکل‌های همسو دارم که مربوط به آقایان است، در مورد بحث روحانی بودن کاندیدا و هم در مورد مهندس موسوی، مطالبی گفته‌اند که بد نیست به آنها اشاره کنیم. حال اینها چقدر در مهندس موسوی مؤثر بوده یا نبوده، آنها به خود ایشان مربوط می‌شود. در این بولتن چند دلیل آورده شده که مصلحت نیست آقای مهندس موسوی وارد این صحنه شوند. یکی این که وجهه‌ای که ایشان در طول هشت سال جنگ تحمیلی به عنوان نخست‌وزیر و مدیر اجرایی دوران جنگ در جامعه به دست آوردند در صحنه سیاسی که علی‌الاصول با رقابت‌ها و بعضی تنش‌های سیاسی همراه است؛ لطمه می‌خورد و ایشان در شرایطی می‌خواهند روی صحنه بیایند که اقبال همگانی در اصحاب حل و عقد، به بازگشت ایشان وجود ندارد. این اصحاب حل و عقد هم بحث جدیدی است که مطرح شده؛ یعنی اگر ایشان بخواهد کاندیدا شود، یک اصحاب حل و عقدی وجود دارند که آنها باید از پیش روی این گروه توافق داشته باشند تا بتواند بیاید، در غیر این صورت آمدنش با تنش‌های سیاسی همراه خواهد بود.

دلیل دوم این است که یکی از موانع جدی ریاست جمهوری مهندس موسوی، اعتقاد نداشتن ایشان به سیاست‌های موجود در روند جاری سازندگی و توسعه کشور است. اعمال، آن سیاست‌هایی که مورد نظر آقای مهندس موسوی است، نه تنها روند سازندگی را کند و بلکه منفی خواهد کرد، بلکه کشور را در نوعی بن

بست و بحران قرار خواهد داد. دلیل سوم، ناهماهنگی بین ایشان با مجلس است. قطعاً بین ایشان و مجلس در تمام موارد و از جمله معرفی وزیران، تصویب نامه‌ها و لوایح، ناهماهنگی به وجود خواهد آمد که کشور را با معضل روبه رو خواهد کرد.

چهارمین دلیل، مشکل هماهنگی با روحانیت و علمای سراسر کشور می‌باشد که بعضی‌ها معتقدند رئیس‌جمهور باید روحانی باشد تا بتواند اعتماد و هماهنگی و حمایت علمای بلاد و روحانیت سراسر کشور را با دستگاه اجرایی و مسئولان جلب کند که به نظر می‌رسد، نظر صائب و درستی نیست. در همین بولتن نوشته شده که شهید رجایی یک استثنا بود. آقای نبوی در سخنانشان گفتند که هر چند شهید رجایی رجل دینی محسوب می‌شد، اولاً بین عناصر غیر روحانی استثنا بود، ثانیاً اگر در آن زمان رئیس‌جمهور غیر روحانی بود، نخست وزیر وی که سهم عمده‌ای از دستگاه اجرایی را به عهده داشت به خصوص روحانی عالی‌قدر، شهید باهنر بود که به هر حال خلاء مذکور را پر و ارتباط مناسب را با علما و روحانیون برقرار می‌کرد. بنابراین، این خواست این دوره نیست. در کل نظر آقایان در این مورد هم این است. من تعجب می‌کنم و اتفاقاً می‌خواستم از ایشان سؤال کنم، که چطور می‌شود که آدم اگر احساس کند که کسی کاندیدا شده و رئیس‌جمهور شود، کشور با بن بست روبرو می‌شود، بین مجلس و دولت، اختلاف پیش می‌آید و تمام این مشکلاتی که اینجا بر شمرده شده، پیش می‌آید، باز هم ناخوش آیند باشد؟ بلکه باید همه ما شکر کنیم که چنین خطری از سر نظام و این انقلاب بر طرف شد.

آقای سید مرتضی نبوی: در مورد مطالبی که آقای بهزاد نبوی فرمودند، بنده فکر می‌کنم خود اینها دلایلی بود که ما از نیامدن مهندس موسوی اظهار ناخوشایندی کردیم. چون با آمدن ایشان، صحنه رقابت، با همین بحث‌ها، مطالب و با همین پرسش و پاسخ‌ها، گرم‌تر می‌شود. قطعاً معنای خوش آیند و خشنود بودن از آمدن آقای موسوی که ما او را رقیب قدری هم می‌دانستیم به همین دلیل بود، که با آمدن ایشان چالش‌های فکری جدی مطرح می‌شد. در مورد کلمه مصلحت، چیزی که می‌خواستم بگویم این است که آقای نبوی در کجا به آن اشاره کردند. بعضاً خود آقای مهندس موسوی هم همان‌طور که ما شنیدیم، در بعضی از ملاقات‌هایی که دوستان با ایشان داشتند یا حتی در یکی از دانشکده‌ها گفته بودند که اگر من بیایم و بخواهم در سیاست‌ها تغییر بدهم، ظاهراً به مصلحت کشور نیست و همین‌طور در مورد مسئولیتی که می‌خواهم انتخاب کنم، با مجلس مشکل خواهم داشت. این بحث‌هایی بود که خود ایشان هم مطرح کردند و من فکر می‌کنم این که به مصلحت هست یا نیست را خود افراد تشخیص می‌دهند. از قبل که دوستان ما بحث و بررسی می‌کردند. از نظر تحلیلی فکر نمی‌کردند که آقای مهندس موسوی در این شرایط بپذیرند که وارد صحنه شوند؛ اما این بدان معنا نیست که ما از حضور ایشان در صحنه استقبال نمی‌کردیم. چون اتفاقاً باب چالش‌های بسیار جدی در زمینه‌های مختلف مسائل توسعه و مسائل اقتصادی و غیره باز می‌شد. و یقیناً کسانی که سابقه جدی در انقلاب و سیاست دارند، بایکی دو تحلیل صحنه را ترک نخواهند کرد و این مسائلی هم که مورد اشاره ایشان بود به نظر بنده مسائلی بود که از زبان خود ایشان هم در ملاقات‌هایی که با ایشان داشتیم نقل شده است و لذا اینها با همدیگر قابل جمع است. یعنی یکی از دلایلی که ما فکر می‌کردیم که اگر ایشان باشند، صحنه انتخابات بسیار گرم و پرشور خواهد شد، همین اختلاف نظرهای جدی بود که از قبل هم در مسائل اقتصادی مطرح بود و می‌توانست زمینه‌ای فراهم شود و اینها طرح شده و مورد بحث قرارگیرد. در ضمن سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در انتخابات مجلس پنجم به صراحت گفته بود که ما با سیاست‌های موجود

مخالف هستیم و اگر وارد مجلس شویم اولین کاری که می‌کنیم، تغییر همین سیاست‌هاست و چون قاعداً از گروه‌های جدی طرفدار آقای مهندس موسوی هم بودند. لذا آقای مهندس موسوی مخیر بود بین این که خواست حامیان خود را اجابت کند یا این که وضعیت موجود را بخواهد ادامه دهد و چنین به نظر می‌آمد که مشکلاتی برای ایشان داشته باشد و در هر حال ما فکر می‌کنیم که خودایشان بهتر از هر کسی می‌توانند بگویند که چرا نیامدند.

آقای مهندس بهزاد نبوی: با تشکر از عزیزان و برادرمان آقای مهندس نبوی، بنده اصلاً عرض نکردم که آقای مهندس موسوی به دلیل این مطالب صحنه را ترک کردند. اگر چنین کاری کرده باشند دیگر جای بحثی باقی نمی‌ماند. همان‌طور که ایشان گفتند یک رجل سیاسی که با چنین حربه‌ای صحنه را ترک نمی‌کند. بنده فکر کردم که شاید این استدلال‌ها از ایشان قابل قبول بوده و از این نظر که کشور و نظام دچار خطر جدی می‌شود، دچار گرفتاری می‌شود، ایشان هم اینها را فهمیده‌اند و پذیرفته‌اند و نیامده‌اند. این که عیبی ندارد، خوب استدلال شما مورد قبول بود.

نکته دیگری که آقای مرتضی نبوی گفتند که منظورشان از خوش‌آیندی که گفتند، این بوده که چنین شخصی که آمدنش سرنوشت کشور و نظام را دچار چنین مخاطراتی می‌کند، خوب بود که به میدان می‌آمد و چالش ایجاد می‌کرد. این گفتار مرا دچار ابهام بیشتری کرد. برخورد و آرا و عقاید، خیلی خوب است. این قبیل برخورد دمکراتیک که من از آقای مرتضی نبوی می‌شنوم خیلی هم خوب است؛ ولی نمی‌توانم تشابه این را با دیدگاه‌های همفکران ایشان مشخص کنم. خاطر من هست که وقتی آقای مهندس موسوی مطرح شد و بحث کاندیداهای دیگر مطرح شد، آقای حسن غفوری فرد که دبیر کل جامعه اسلامی مهندسين می‌باشند، گفتند: «کسانی که در مقابل آقای ناطق افراد دیگری را مطرح می‌کنند، اینها جریانات ضد روحانی هستند که قصدشان این است، در مقابل آقای ناطق، افرادی را بترانند که رأی ایشان را کم کنند و اکثریت قاطع آرای ایشان را کاهش دهند» در عصر ما که ایشان نماینده همه جناح‌ها و کاندیداها هم هستند، ما دائم می‌گوییم اینها هستند و از آن طرف می‌شنویم، گفتند آقای حبیبی که نیست، آقای ولایتی که نیست، آقای مهندس موسوی هم که قطعاً وارد صحنه نمی‌شود، این حرف‌ها را می‌زنند برای این که رأی آقای ناطق را کم کنند». اگر این حرف‌ها خوب بود، باید ایشان را تشویق می‌کردند تا آقای مهندس موسوی به میدان بیاید. بنابراین بد است که شما این حرف‌ها را در بولتن خود که درون گروهی نیست و در نسخ محدود انتشار عام دارد بنویسید. در روزنامه رسالت هم مقالات از این قماش است، کسی که مثلاً هشت سال در دوران سخت سازندگی، مسئولیت اجرایی داشته، نمی‌تواند وارد صحنه انتخابات ریاست جمهوری شود و رئیس جمهور شود، باید می‌گذاشتیم ایشان وارد میدان می‌شد، تشویق می‌کردیم، اگر معتقد هستیم که وجود آن چالش‌ها مفید است، چرا پیش از این که ایشان نظری بدهد دال بر این که بیاید یا نیاید، این طور به شدت موضع‌گیری کردیم. آقای بادمچیان، که از دوستان آقایان در جمعیت مؤتلفه هستند، مطلبی دارند در مورد این که اصلاً وجود کاندیدای منحصر به فرد خوب است، نه چند کاندیدا، اینها جور در نمی‌آیند. اگر فرمایشات آقای مرتضی نبوی درست باشد، خیلی هم خوب است. یعنی ما می‌فهمیم که کاندیدای بعدی مان را هم معرفی کنیم، ولودارای همین خصوصیتی باشد که در این نشریه آمده، ایشان و همفکرانشان استقبال خواهند کرد و تشویق‌شان خواهند کرد که به میدان بیایند و به ما کمک خواهند کرد که مثلاً راضی‌شان کنیم که کاندیداتوری این جمع را قبول کند. چون همه تحمل این نوع برخوردها را ندارند قبول نمی‌کنند. همین حرف‌ها را که از

شما می شنوند، فکر می کنند که خوب وقتی می گوئیم تنش های سیاسی به وجود می آید، من نوعی که ممکن است خیلی اهل تنش نباشم هم بگوئیم، سری را که درد نمی کند، چرا دستمال ببندم. اصلاً وارد این میدان نمی شوم که این تنش ها ایجاد نشود، به خاطر این که من نتوانستم نظر اصحاب حل و عقد را جلب کنم.

مهندس مرتضی نبوی: بنده در مقام پاسخ به فرمایشات آقای بهزاد نبوی نیستم، روحانیون مبارز که اعلام حضور مجدد کردند، ما موضع گیری کرده و سرمقاله نوشتیم و به آنها خوش آمد گفتیم، همکارانمان با آنها مصاحبه کردند و موضع رسمی روزنامه رسالت هم به عنوان تلقی مثبت از حضور مجمع روحانیون مبارز است. اگر ما دنبال سند و مدرک باشیم در این که از آمدن مجمع روحانیون مبارز که کاندیدایشان را هم جناب آقای مهندس موسوی اعلام کردند اظهار خوش وقتی و خوشنودی کرده ایم، سندهای زیادی می توانیم ارائه کنیم. در هر حال قاعدتاً ما از آقای نبوی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تشکر می کنیم که در انتخابات مجلس پنجم آمدند و وارد صحنه شدند، و بحمدالله اگر تجدیدنظر نکرده باشند اعلام کردند که در انتخابات مجلس پنجم، انحصار شکست. و حالا هم در صحنه هستند و هیچ وقت هم از میدان بیرون نرفته اند و حال این که یک مقدار تنش ایجاد شود، قاعدتاً انتخابات و مسائل سیاسی بدون تنش نیست، باعث کناره گیری از صحنه نمی شود. این عریض بنده بود؛ اما کلمه بحث مخاطرات و این که مصلحت نیست که کسی بیاید، اظهار نظرش مربوط به یک جریان و شکل و گروه نیست. در مورد اظهارات آقای غفوری فرد، خود ایشان گفت که من چنین اظهاراتی نکرده ام. حال کرده یا نکرده اند، در هر حال خود شخص ایشان معتقد نبودند چیزهایی که از قول ایشان در مطبوعات نوشته بودند و این که ایشان را به عنوان سخنگوی همه جریانات فرض کرده بودند، سخن خودشان باشد. ولی این را می توانم بگویم که آن سخنانی که به نام ایشان منتشر شده بود، یقیناً موضع جریان ها و شکل های همسو نیست.

مجری: از بحث محض ریاست جمهوری خارج می شویم و به بحث انتخابات مجلس که به نوعی به بحث ریاست جمهوری مربوط می شود می پردازیم. جناب آقای مهندس بهزاد نبوی، ارزیابی شما از بعضی دخالت هایی که به زعم شما به صورت غیرقانونی در انتخابات مجلس صورت گرفت چیست؟ لطفاً اگر مواردی دارید آن را واضح بیان فرمایید. آیا به نظر شما در انتخابات ریاست جمهوری، دخالت های این چنین پیش خواهد آمد و آیا این توجیه جهت عدم رأی آوردن شما در انتخابات نیست؟

مهندس بهزاد نبوی: اول خودشان ما را تحریک می کنند که بگوئیم تخلفات چه بوده، مسئله ای که الان گذشته و کارش هم تمام شده است و بعد هم می گویند آیا این توجیه رأی نیاوردن شما نیست.

ما در عین حال که معتقد بوده و هستیم که در انتخابات دوره پنجم تخلفات زیادی صورت گرفته و به طور مشخص و آشکار یک نهاد نظامی در جریان انتخابات دخالت کرده است، موارد آن را هم صریحاً برای مقام معظم رهبری نوشته ایم، مع الوصف به نتیجه انتخابات گردن می نهیم. فرق یک جریان خودی که در چارچوب نظام فعالیت می کند با یک جریان غیر خودی، این است که تخلفات را بازگو کرده و اعتراض می کند. ما به اصل تخلف اعتراض داریم و لومناً اثری هم نشده باشد. ما به خود تخلف اعتراض داریم و معتقدیم که در نظام جمهوری اسلامی، انتخابات باید کم تخلف ترین انتخابات باشد. این که می گوئیم کم تخلف ترین، به دلیل واقعی نسبت به این مسئله است که در هر انتخاباتی تخلف وجود دارد، ولی این تخلف در نظامی که ارزش های والایی بر آن حاکم است، مثل نظام ما باید بسیار کم باشد.

با این که شش ماه و شاید هم بیشتر از انتخابات گذشته است، طرح آن تخلفات خاصیتی ندارد. اگر در آن موقع این مسئله را مطرح می‌کردیم، به خاطر نقش بازدارنده این اقدامات بود. ما از فردی شکایت می‌کردیم که فرضاً مورد انتخابات را رعایت نمی‌کرد و در روزهایی که تبلیغات علیه کاندیداها ممنوع بود، علیه یک کاندیدا تبلیغ می‌کرد. که در این موارد، باید دستگاه‌های ذی‌ربط حواسشان جمع‌تر باشد و هوشیارتر باشند. در روز رأی‌گیری، در مرحله دوم شاید ما حدود پنجاه فاکس به هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات زدیم که تخلفات مختلف گزارش شد. طرح آنها در حال حاضر، مورد و خاصیتی ندارد و ما هم نمی‌خواهیم نتایج انتخابات را غیر قابل قبول اعلام کنیم.

مجری: بنده فکر می‌کنم که به بیان ساده‌تر منظور، مشکلات ساختاری انتخابات بود. در سؤالی که

از آقای سید مرتضی نبوی دارم، شاید بتوان واضح‌تر به این مسئله پرداخت.

س- آقای مهندس مرتضی نبوی، با توجه به این که استیضاح وزیر محترم کشور در مجلس در جریان است، به نظر شما، آیا این استیضاح جهت آماده سازی بستر سالم انتخابات ریاست جمهوری صورت نگرفته است؟ جناح چپ مدعی است که آقای ناطق هم اکنون از صدا و سیما برای تبلیغات خود استفاده می‌کند، نظر شما چیست؟

آقای مهندس مرتضی نبوی: در مورد مطالبی که گفته شد فرمایش آقای بهزاد نبوی، که به طور مشخص یک نهاد نظامی دخالت کرده است، قاعداً این یک ادعاست و هیچ نهاد نظامی قبول ندارد که دخالت کرده است. و اگر ادعای شکایت باشد باید بررسی شود تا مسئله روشن شود. حال اگر نیروهای بسیج شرکت کرده‌اند، آنها به عنوان نیروهای مردمی هستند و به نظر می‌آید حق داشته باشند به عنوان نیروهای بسیجی نظر خودشان را داشته باشیم. اما اگر بخواهیم مقایسه کنیم، بحث عملکرد گروه کارگزاران در انتخابات مطرح است که تقریباً به نحو گسترده‌ای از امکانات عمومی استفاده کرده و این هم مورد اعتراض بود. در هر حال، یکی از جریاناتی که ائتلاف هم داشتند و اکنون در مجلس هستند، اینها در حقیقت به نحو گسترده‌ای از امکانات استفاده کردند و تخلفاتی نیز از آنها گزارش شده و قاعداً ذکر تخلفات و این که فاکس‌های زیادی هم به ستاد انتخابات بزنید، این همیشه در هر شهر و شهرستانی بوده و دلیل این نیست که واقعاً تخلفاتی که به نظر یک کاندیدا یا یک جریان عنوان می‌شود اینها تخلف باشد و باید در جایگاه خود بررسی شود تا روشن شود. اما استیضاحی که راجع به وزیر کشور مطرح شد، قاعداً کسانی که استیضاح را امضا کردند دلایلی برای کار خود دارند. هدف آنها این نیست که بخواهند برای ریاست جمهوری زمینه را آن طور که می‌خواهند، سالم سازی کنند، حال اگر چنین اهدافی در پشت این قضیه نهفته باشد، آن بحث دیگری است.

در مورد استفاده از صدا و سیما برای تبلیغات، این بحث تازه‌ای نیست. رؤسای سه قوه و مسئولین مختلف متناسب با مسئولیتی که دارند و مقرراتی که صدا و سیما دارد، خبرهایشان منعکس می‌شود. الان که پنج‌شش ماه به انتخابات ریاست جمهوری مانده است، معنا ندارد که چون جناب آقای ناطق هم از کاندیداها مطرح هستند، پس باید سانسور خبری شوند و حتی این در مورد سفرهای ایشان به استان‌های مختلف هم مطرح بود که از دو سه سال قبل این مسئله را مطرح کردند؛ حتی قبل از انتخابات مجلس پنجم این مسئله را از مقام معظم رهبری سؤال کرده بودند، ایشان هم گفته بودند که شما نسبت به این مسئله توجهی نکنید. حضور مسئولان و به خصوص رؤسای سه قوه در بین مردم حایز اهمیت و مؤثر است و این کار را ادامه بدهید. لذا فرقی هم ندارد، یک وقت ریاست مجلس به عهده آقای کروبی است. سفر می‌کنند، خبری، ملاقاتی و دیداری دارند و منعکس می‌شود و یک وقت آقای ناطق است یک وقت هم کسان دیگری

هستند، مثلاً آقای هاشمی بودند و خلاصه این دلیل بر این نمی‌شود که کسی که کاندید می‌شود یا مطرح است، خبرهایش سانسور شود.

س: اگر به زعم شما صدا و سیما می‌تواند مراسم دید و بازدید رؤسای سه قوه را پخش کند، آیا صدا و سیما مجاز نیست مراسم مربوط به سفرهای آقای حبیبی را پخش کند؟ چگونه است اخیراً ایشان سفری به جمهوری آذربایجان و گرجستان داشته، در مورد گرجستان که اصلاً پخش نشد و در مورد آذربایجان هم خیلی اندک، در صورتی که تمام مراسمی که آقای ناطق شرکت می‌کنند، بلااستثنا پخش می‌شود.

ج- آقای مرتضی نبوی: در مورد آقای حبیبی اتفاقاً بنده هم از تلویزیون دیدم که خبر مربوط به سفر ایشان را پخش کردند. منتها قاعدتاً بین چیزی که در سطح انعکاس خبری رؤسای سه قوه است با مثلاً معاون اول رئیس جمهور، به نظر می‌رسد که اختلافی باشد. مثل این که قاعدتاً بین انعکاس خبر، در اخبار مربوط به ریاست جمهوری با وزرا اختلاف است. چنین اختلافی از نظر آیین مقرراتی که دارند به صورت طبیعی هست و لکن این بدان معنا نیست که اصلاً خبر مربوط به دیگر مسئولان پخش نشود. عرض کردم که بنده امروز به طور مثال دیدم که در اخبار، خبر مربوط به آقای حبیبی هم منعکس می‌شود.

س: در رابطه با مسائل مواضع جناح‌ها، بحث را کوتاه می‌کنیم و این سؤال را از آقای مهندس بهزاد نبوی داریم که شما عمدتاً به اقتصاد دولتی و بسته معتقد هستید، اگر رئیس جمهور هم از میان شما انتخاب شود، با سیاست‌های تعدیل که نهادینه شده‌اند، آیا جناح خط امام می‌تواند در عمل به ارزش‌هایی مثل طرفداری از مستضعفان ادامه دهد.

آقای مهندس بهزاد نبوی: البته این تهمتی است که جناح راست به ما زده‌اند و شما هم تکرار می‌کنید. ما به اقتصاد دولتی و بسته معتقد نبوده و نیستیم. شما اگر عملکرد دولت آقای مهندس موسوی را نگاه کنید خواهید دید که در دورانی که فعالیت‌های اقتصادی رونق کافی داشته، بخش خصوصی، فعالیتش کمتر از دوره برنامه پنج‌ساله اول نبوده است. حجم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این دوره کمتر از برنامه پنج‌ساله اول نبود. مخالفت با سیاست تعدیل هم به معنای مخالفت با فعالیت بخش خصوصی نیست. سیاست تعدیل، مجموعه سیاست‌هایی است که ناظر بر ایجاد تعادل در تمام بازارها، بازار پول، ارز، کالا و همه بازارهاست که این، ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضاست. با اصل ایجاد تعادل هم نیروهای خط امامی مخالفتی ندارند، آنچه که با آن مخالف هستند زمان، مکان و چگونگی برخورد با این اصل است. به طور کلی این مجموعه معتقد است که در کشوری که یک جنگ هشت ساله را پشت سر گذاشته و دوران سازندگی خود را طی می‌کند، اعمال چنین سیاست‌هایی سبب از دست رفتن منابع کشور، ایجاد تورم‌های بالا، مشکلات و بحران‌های اقتصادی می‌شود و به همین دلیل، مخالفت کردند و همه ما هم دیدیم که این مشکلات و بحران‌های اقتصادی نیز ایجاد شده و هنوز هم گاهی ادامه دارد. بخش‌هایی از آن هم که بر طرف شده، به همین دلیل است که آن سیاست‌های ضدتعدیلی اعمال شد. یعنی قرار بود که آقایان در سه زمینه، سیاست تعدیل را اعمال کنند. یکی تعادل عرضه و تقاضای کالا، یکی تعادل عرضه و تقاضای ارز و دیگری عرضه و تقاضای پول، که امروز سیاست تعدیل در زمینه ارز متوقف است و ارز-کماکان سهمیه‌بندی می‌شود. نرخ دولتی و آزاد دارد. در زمینه کالا هم، دوستان همیشه حرفشان این است که کار خوبی که ما انجام دادیم این بود که آمدم تعداد کالاهای کنترل شده و سهمیه‌بندی شده را در برنامه پنج‌ساله دوم بالا بردیم، که این درست خلاف سیاست تعدیلی است که اجرا می‌شد. بنابراین، مخالفت‌هایی هم که از طرف نیروهای خط امام با سیاست تعدیل بوده ناظر بر این نوع است و اگر الان هم سیاست‌های فعلی برای ما چندان

خوش آیند نیست به این دلیل است که معتقدیم این سیاست‌ها، سیاست‌هایی است که مبنای درستی ندارد. به دلیل گرفتاری‌های موجود مجبور شدند ارز را سهمیه‌بندی کنند، سهمیه‌بندی کالا را به آن شکل که گفتیم ادامه دادیم. در حالی که معتقدیم که در دوره سازندگی، تا آن مرحله قابل پیش‌بینی که حالا پنج سال، ده سال، و یا هر اندازه طول می‌کشد، ما باید سیاست‌های انقباضی پیش بگیریم. سیاست‌های کنترلی پیش بگیریم و بتوانیم منابع کشور را مدیریت کافی کنیم و صرف سرمایه‌گذاری و توسعه کنیم، تا این که بتوانیم در آینده ان‌شالله سیاست‌های عرضه و تقاضای کالای آزاد را در تمام زمینه‌ها اعمال کنیم. نیروهای خط امام مخالف این نیستند که کالا فراوان و به قیمت ارزان و بدون سهمیه‌بندی، بدون دادن کوپن به دست مردم برسد ولی واقعیت‌ها نشان می‌دهد که این کار در کوتاه مدت شدنی نیست و باید دوره‌ای را بگذرانیم تا سرمایه‌گذاری‌ها انجام شده باشد، تولید ملی بالا رفته و سپس بتوانیم عرضه و تقاضا را به بازار حاکم کنیم. س: جناب آقای مرتضی نبوی، شما در زمان جنگ که مسئله اصلی کشور، دفع تجاوز بود، مرتب از پرداخت یارانه و کوپنی کردن اجناس ضروری شاکمی بودید، در حالی که امام بارها، عنوان دولت خدمتگزار به کابینه آقای مهندس موسوی می‌دادند و شما و هم جناح‌هایتان آن را دولت قیمت‌گذار می‌گفتید، چطور شد که در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی طرفدار سرسخت عدالت اجتماعی و مخالف حذف یارانه شده بودید؟

مهندس مرتضی نبوی: در مورد سیاست‌های زمان جنگ شما هیچ وقت مشاهده نمی‌کنید که با کوپنی بودن کالاهای اساسی مخالفت شده باشد. شما به روزنامه رسالت بعد از پذیرش قطعنامه و زمان برنامه اول مراجعه کنید و در برنامه دوم هم در مورد کوپنی بودن کالاهای اساسی، نه تنها مخالفتی نمی‌بینید بلکه اصرار بر این است که امنیت غذایی در شرایط بعد از جنگ باید حفظ شود. ما در مسائل اقتصادی اختلاف نظر داشتیم و با توسعه دادن کنترل قیمت‌ها و کوپنی کردن کالاها مخالف بودیم؛ ولی در مورد کالاهای اساسی ما موافق نیز بودیم. اما با گسترش و توسعه آن مخالف بودیم. اما در مورد عدالت اجتماعی، هیچ زمانی مخالف عدالت اجتماعی نبودیم که تازه در انتخابات مجلس پنجم طرفدار عدالت اجتماعی شده باشیم.

در زمان نخست‌وزیری آقای مهندس موسوی نیز بحث روی این بود که با چه شیوه‌ای می‌شود به عدالت اجتماعی دست یافت؟ با سیاست‌های متمرکز یا با سیاست‌هایی که مردم همان‌گونه که در امور سیاسی، در جنگ مشارکت و دخالت دارند، در امر اقتصاد نیز مشارکت داشته باشند، که قضاوت این مسئله رانیز خود حضرت امام در پاسخ به نامه‌ای که به آقای انصاری داشتند فرمودند که هر دو جناح یعنی جناح روحانیت و جناح روحانیون، هر دو دلسوز هستند، هر دو طرفدار مستضعفین هستند و خلاصه این که هر دو به دنبال پیاده کردن آرمان‌های انقلاب هستند. پس چه در آن زمان و چه بعد از آن، قصد و نیت همه جناح‌ها، عدالت اجتماعی بوده، حال اگر کسانی هم از طیف روحانیت مبارز یا روحانیون مبارز مثلاً معتقد بودند ما دو سه برنامه توسعه را با سرعت پیش ببریم و فرضاً بعد از برنامه چهارم و پنجم به عدالت اجتماعی خواهیم پرداخت، این بحثی است جدای از این دو جناح و مربوط به این دو جناح نیست، پس عدالت اجتماعی همیشه مورد توجه بوده است.

برادرمان آقای بهزاد نبوی گفتند که ما این اتهام را به ایشان وارد کردیم که اقتصاد دولتی و بسته فرق دارند، در حالی که این طور نیست. ما اخیراً هم به ایشان می‌گفتیم که شما چرا طوری سخن می‌گویید که چنین اتهامی را برای خودتان جلب کنید، این که مثلاً می‌گویید یکی از دلایل شکست جناح چپ در ایران این است که اردوگاه چپ در دنیا شکست خورد یا مثلاً مسائلی که برای شوروی پیش آمد. این اظهارات خود

شما است که چنین ابهامی را در اذهان ایجاد می‌کند و مادر صدد چنین قضاوتی و ایجاد چنین ابهامی نیستیم. مسئله کوپن نیز هم در برنامه اول بود و داشتیم و در برنامه دوم، دولت در نظر داشت که کوپن‌ها را به تدریج حذف کند که در بررسی برنامه دوم ما به این نتیجه رسیدیم که این عمل امکان‌پذیر نیست، اما حال در مورد سیاست‌های اقتصادی و بعضی از سرفصل‌هایی که آقای نبوی به آن اشاره داشتند، این مسئله‌ای است که می‌شود به آن پرداخت.

مهندس بهزاد نبوی: سؤالی که از آقای مرتضی نبوی شد ایشان جوابی دادند که من خوشحال و خوش دل شدم، ولی در باب این که فرمودند ما در زمان جنگ هم طرفدار سهمیه‌بندی بودیم و گسترش آن را قبول نداشتیم، من فقط لطیفه‌ای را از یکی از روزنامه‌ها نقل می‌کنم. نمی‌دانم که کدام نشریه بود می‌گفت: ما سال‌های این بهزاد نبوی و مرتضی نبوی، قاطی کرده بودیم و نمی‌دانستیم که کدام، کدام هستند، برای خودمان یک علامت گذاشتیم و گفتیم این که مخالف کوپن است مرتضی نبوی است و آن که طرفدار کوپن است، بهزاد نبوی است. حال هر دو باز هم موافق کوپن شدند و ما باز هم قاطی کردیم. این نشریه همین کارها را کرد که آن را بستند. در مورد عدالت اجتماعی هم که فرمودند ما همیشه موافق بودیم، البته بنده فرمایش ایشان را قبول دارم، ایشان حتماً همیشه طرفدار عدالت اجتماعی بودند ولی خوب یکی از بزرگان همفکر ایشان، آیت‌الله راستی، نماینده امام در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی سابق، پس از آن‌که اختلافاتی درون سازمان بروز کرده بود، یک بار مادر قم به خدمت ایشان رسیدیم. بنده هم وزیر صنایع بودم و طی صحبتی که با ایشان داشتیم بنده عرض کردم که آقا ما به عنوان دولت جمهوری اسلامی خلاف شرع عمل نمی‌کنیم، ولی سیاست‌هایی را اعمال می‌کنیم که مانع از دو قطبی شدن جامعه می‌شود. سیاست‌هایی را اجرا می‌کنیم که خلاف شرع هم نیست ولی می‌شود که یک قطب ثروت و یک قطب فقر ایجاد شود. ایشان به شدت عصبانی شده و برآشفند و گفتند: تو نمی‌خواهد کمک خدا بکنی، خدا خودش در قرآن خواسته که فقیر و غنی باشد. این همه آیات راجع به فقر و غنا داریم. لازم نیست که شما به خدا کمک کنید. شما احکام الهی را پیاده کن. نتیجه‌اش هر چه باشد به آن گردن بگذار، نمی‌خواهد تو کارهایی از خودت انجام دهی که ممکن است حکم الهی نباشد. البته ما این بحث‌ها را در شورای اقتصاد با آقای مرتضی نبوی داشتیم که می‌فرمودند شما حکم خدا را پیاده کن، کاری نداشته باشد که نتیجه‌اش چه می‌شود، نتیجه‌اش حتماً خوب می‌شود. البته آن دیدگاه‌ها ان‌شالله امروز تعدیل شده و دیدگاهشان هم عوض شده باشد. ما از خدا می‌خواهیم که همه یک جور فکر کنند و همه خوب فکر کنند و مشکلی از این بابت وجود ندارد. نکته‌ای را هم که دوستان ایشان می‌گویند و تا حال نیز چندین بار گفته شده است و این بار از روی خیرخواهی هم گفتند، که خیلی دلشان برای ما سوخته که شما چرا خودتان را بی‌دلیل در مظان اتهام قرار می‌دهید؟ ما که نمی‌گوییم، ولی این حرف‌هایی که شما می‌زنید نشان‌دهنده این است که شما کمونیست و سوسیالیست هستید. بحث ما این است و خوب است که آقای مرتضی نبوی هم این را برای آقایان توضیح دهند. می‌پرسند که چرا در مجلس چهارم جناح خط امام شکست خورد؟ خوب شما در هر تحلیلی که دارید عوامل درونی، بیرونی و اینها را مطرح می‌کنید. ما نیز دلایل متعددی ذکر می‌کنیم، یک دلیل هم این که می‌گوییم آقا اصلاً فضای جهانی به نفع نظام‌های سرمایه‌داری بود، ما نیز در داخل کشور موصوف به چپ بودیم. در سال‌هایی که انتخاب دوره چهارم مجلس شورای اسلامی برگزار می‌شد، فضای جهانی به نفع نظام سرمایه‌داری و نظام‌های سرمایه‌داری دنیا بود. نظام‌های سوسیالیستی، نظام‌هایی که به اسم دولتی، در بخش دولتی کنترل

روی آن بود، به شدت مذموم و نامطلوب تلقی می‌شدند. در سراسر جهان به دلیل همان فروپاشی نظام‌های سوسیالیستی دیده می‌شد.

که حتی بسیاری از کشورهای جهان سومی که معتقد به یک سری کنترل‌ها و نظارت‌های دولتی بودند، اعلام برائت کرده و می‌گفتند که ما هم دنبال خصوصی‌سازی و آزادسازی هستیم، همین شعارهایی که خودمان می‌دادیم آنها هم مرتباً این شعارها را می‌دادند. این دوره درست همزمان با فروپاشی شوروی و تک قطبی شدن جهان بود که تلقی عمومی این بود که معنای شکست اقتصاد سوسیالیستی پیروزی نظام سرمایه‌داری است و الگوی سرمایه‌داری، در اقصی نقاط جهان توسط کشورهای جهان سوم و کشورهای کمتر توسعه یافته، به عنوان نسخه استفاده می‌شد. ما گفتیم که این جو در جامعه ما هم اثر گذاشته است. همه فکر می‌کردند که اینها همان چپ‌ها هستند. اینها بیانند باز هم کوپنی می‌کنند، باز روی اقتصاد کنترل می‌گذارند و باز هم اقتصاد را دولتی می‌کنند، حالا هم فهمیده‌ایم که کنترل و کوپن و دولتی شدن اقتصاد چقدر بد است، پس بنابراین نباید به اینها رأی دهیم. این بدان معنا نیست که ما گفتیم چون ما هم سوسیالیست و کمونیست بودیم و چون پدرمان مرد، ما هم شکست خوردیم، بلکه بدین معنا بود که فضای جهانی فضایی بود که به تفکر کنترل دولت بر اقتصاد، تفکر سهمیه بندی و همه اینها، نه می‌گفت. بی دلیل نبود که شما عمدتاً آن موقع بحث عدالت اجتماعی نمی‌کردید. آزادسازی و خصوصی سازی، شعارهای اصلی شما در آستانه انتخابات دوره چهارم بود. الان در آستانه انتخابات دوره پنجم است که همه از سهمیه بندی و عدالت اجتماعی دفاع می‌کنیم. آن موقع که چنین فضایی نبود. الان هم درست بر عکس شده، در همان کشورهای سوسیالیستی سابق، با تمام سرعت به سمت سرمایه‌داری رفتند و فکر کردند که اگر به امریکا گفتند که ما مخلص تو هستیم و اقتصاد را در بست همین جا پیاده کن، دیگر نیکبختی و سعادت نصیب آنها می‌شود و سر تا پایشان را طلا می‌گیرند. جلو رفتند، دیدند که خبری نیست. آنها هم دیدگاهشان شبیه این دو است. برادرمان آقای رجبعلی طاهری که کاندید ریاست جمهوری هم بود، اوایی که اختلافاتی درون سازمان ایجاد شد، ایشان یک مقدار طرفدار جناح‌هایی بودند که معتقد بودند اقتصاد کنترل شده و می‌گفت: امریکا اقتصاد خوب را برای خودش نگه داشته و اقتصاد بد را به ما داده است. این توطئه امریکاست که اقتصاد کنترل شده را به ما داده و اقتصاد خوب را برای خودش نگه داشته است. عرض بنده این است که الان هم فضا کاملاً عوض شده است، می‌بینیم که آن موقع اگر شعارهای شما، روزنامه‌تان و جناحتان را در نظر بگیریم همه‌اش در مدح آزادسازی و خصوصی سازی، سیاست دروازه‌های باز بود، یک دفعه ورق بر می‌گردد آن هم، هم زمان با موقعی که این سیاست‌ها در کشورهای جهان سوم با شکست مواجه می‌شود. یک دفعه می‌بینند که، نه، از قضا سکنجبین صفرافزود. بنابراین، تعبیر و توجیه ما این است که اگر با این حرف‌ها کسی می‌خواهد بگوید که ما سوسیالیست هستیم قبول داریم، منتها شما چیزی را روی آن اضافه نکنید که با همین دلایل بگویند ما سوسیالیست هستیم.

مهندس سیدمرتضی نبوی: برادران و خواهران توجه داشته باشید، بحثی را که بنده عرض کردم قضاوت حضرت امام در آخرین سال‌های عمرشان بود که فرمودند هر دو جناح منظورشان هم روحانیت بود و هم روحانیون، طرفدار عدالت، مستضعفین و انقلاب هستند. حالا آقای بهزاد نبوی شاید به سال‌های ۶۱-۶۲ بازگشته‌اند و از قول حضرت آیت‌الله راستی گفتند که احکام پیاده شود. من فکر می‌کنم سخن این بود که آقایان می‌گفتند اگر ما احکام اسلام را پیاده کنیم، خود این نیز عدالت‌آفرین است، همین حالا هم مخالف

ندارد، یعنی واقعاً اگر همه احکام اسلام همه جانبه در این کشور پیاده شود، این ضد عدالت است. این که اصلاً در روح احکام اسلام عدالت هست و خارج از عدالت نیست و اینها را خود حضرت امام هم روشن و تبیین کردند. در مورد این که به صحبت ایشان استناد کردند، بحثی است که خود جناب آقای راستی می‌دانند و آن موقع چنین عقیده‌ای داشتند عقیده‌شان تغییر کرده یا نه؟ آنچه ما با ایشان در تماس بودیم، عقیده آقایان این است که اگر احکام اسلام به طور همه جانبه پیاده شود، عدالت نیز در آن پیش‌بینی می‌شود.

اما این مسئله که گفتند آزادسازی، خصوصی‌سازی، دروازه‌های باز، اینها شعارهای ما در آن ایام بوده، می‌توان مراجعه کرد و دید که ما چه زمانی و چه موقع از سیاست درهای باز حمایت کرده‌ایم؟ بله ما با این که کارها به دست مردم داده شود موافق هستیم، منتها آیا در مرحله اول خصوصی‌سازی انجام گرفت؟ ما معتقدیم که این کار نشد، یعنی در حقیقت باز همان انحصارات دولتی با شکل دیگری، دامن زده شده که آن هم توضیح خودش را دارد و این که ما با آن موافقت کردیم، همان بود که به عنوان برنامه اول در مجلس سوم تصویب شد. برنامه اول این بود که خود حضرت امام بعد از پذیرش قطعنامه، رؤسای سه قوه وقت را مأمور کردند که در حقیقت اصول و سیاست‌های بازسازی و توسعه را تدوین کنند و بر اساس آن اصول برنامه اول نوشته شد و این برنامه اول در مجلس سوم تصویب شد که اکثریت مجلس سوم را جناح روحانیون به عهده داشتند، ما با همین برنامه موافق بودیم و در همین برنامه، کوپنی بودن کالاهای اساسی نیز پیش‌بینی شده بود و ما همیشه با سیاست دروازه‌های باز مخالفت کردیم و متأسفانه این سیاست‌های دروازه‌های باز که منجر به بدهی‌های ارزی کشور شد، عمدتاً به سال‌هایی که مجلس سوم سرکار بود می‌رسد. اکثریت روحانیون مبارز حضور داشتند و از زمانی که ما وارد مجلس چهارم شدیم، شروع کردیم به محدود کردن واردات، بازپرداخت بدهی‌ها و سامان دادن به آنها و این که سیاست‌های انضباطی اجرا شوند.

س: جناب آقای مهندس بهزاد نبوی، شما مدعی هستید که می‌خواهید خط امام را حل را ادامه دهید، پس چرا در مواضعتان با جناح نوظهور کارگزاران ائتلاف کرده‌اید؟ آیا بعضی از همین آقایان بحث ارتباط با امریکا را مطرح نکرده بودند؟ و آیا این جناح طرفدار سرمایه‌داری صنعتی می‌باشد که شما با آن مخالف هستید؟ در همین رابطه اخیراً آقای مجید انصاری از احتمال ائتلاف روحانیون با کارگزاران صحبت کرده‌اند که در نشریه مبین درج شده است.

مهندس بهزاد نبوی: البته خود آقای مرتضی نبوی هم این مطلب را عنوان فرمودند. مجری هم حالا سؤال کردند. من نمی‌دانم که کجا گروه‌های خط امام، در چه مقطعی با کارگزاران ائتلاف کردند. اگر انتخابات مجلس پنجم باشد که هیچ ائتلافی بین گروه‌های خط امام و کارگزاران صورت نگرفت، کارگزاران لیست خودشان را در انتخابات داشتند و گروه‌های خط امام هم لیست خودشان را داشتند و هیچ ائتلافی بین اینها صورت نگرفت، حال آن که ائتلاف در آن مرحله می‌توانست خیلی مفید باشد. اگر فایده این بود که کاندیدای بیشتری فعلاً وارد مجلس شوند، نمایندگان بیشتری به مجلس بیایند، چنین ائتلافی صورت نگرفت و گروه‌های خط امام، موضع اصولی خودشان را حفظ کرده و کاندیداهای خودشان را مطرح کردند، اگر مشترکاتی هم با کارگزاران داشتند، آن هم مشترکاتی است که خیلی طبیعی است. مثلاً آقای مجید انصاری را ما هم قبول داشتیم، کارگزاران هم قبول داشتند این هم نشان‌دهنده ائتلاف نیست. با جامعه روحانیت مبارز هم، کارگزاران مشترکاتی داشتند و هیچ کدام از اینها دلیل ائتلاف نمی‌شود. یک فکر جریانی را تأیید می‌کند،

جریان دیگری را نیز تأیید می‌کند. هر کدام با معیارهای خودشان تأیید می‌کنند. معیارهای کارگزاران معیارهای باز و قابل انعطافی بود که هم می‌توانست کاندیداهای جامعه روحانیت مبارز و گروه‌های هسمو را در برگیرد و هم نیروهای خط امامی را در برگیرد. هماهنگی‌هایی بر سر انتخاب رئیس مجلس در پنجم صورت گرفت که به نظر می‌رسد هیچ کدام غلط نبود و خلاف موضوع یا ارزش‌ها نیست، یعنی اگر گروه‌های خط امام در آن مواضعی که اختلاف نظر گروهی با جناح‌های دیگر دارند، با هر جناحی ائتلاف و سازش کردند، قابل انتقاد هستند؛ ولی اگر در موردی اتفاق نظر دارد، هماهنگی و همراهی کرده‌اند هیچ اشکالی ندارد. همه این کار را کرده و می‌کنند. در حال حاضر جامعه روحانیت مبارز و گروه‌های همسویش در این زمینه فعالیت چندانی ندارند، و خود را مخالف کارگزاران تلقی می‌کرد. ائتلاف با کارگزاران را پذیرفته بود و گروه‌های همسو نگذاشتند، آن موقع ما تعجب می‌کردیم حالا می‌خواهیم بگوییم که آنها گروه همسو با آقایان هستند و اینها که نپذیرفتند آنها هم مجبور شدند که دیگر با کارگزاران ائتلاف نکنند. یعنی کاری که در مجلس پنجم صورت گرفته این بود نمایندگان خط امامی مجلس کاندیدایشان برای ریاست مجلس، آقای عبدالله نوری بود. نمایندگان وابسته به کارگزاران هم در مجلس آقای نوری را کاندیدا کردند و هر دو گروه به او رأی دادند. آیا به نظر شما درست این بود که این کار را نمی‌کردند، مثلاً به لجاجت هر کدام می‌رفتند کاندیدای دیگری می‌گرفتند که آقای ناطق با ۷۰ - ۱۶۰ رأی برنده شود. خوب این کار را نکردند، چون هر دو گروه هر کدام با معیارهای خودشان کاندیدای مشترکی برای ریاست مجلس داشتند و آقای نوری را قبول داشتند، بنابراین کاندیداتوری آقای نوری را هم آنها داشتند و هم جمعیت دفاع از ارزش‌ها داشت و هم خط امامی‌ها داشتند. سه جناح، آقای عبدالله نوری را کاندید کرده بودند و خوب وقتی بحث ریاست مجلس است، باهم تفاهم کردند. به طور کلی ما در تحلیل‌های قبلی مان هم گفتیم، در انتخابات ریاست جمهوری هم به این مسئله معتقد هستیم که آنچه در حال حاضر سرنوشت‌ساز است، وجود دو جریان فکری در جامعه می‌باشد. یک جریان معتقد به جامعه تک قطبی و انحصار قدرت در دست یک جناح و طیف خاص است. جریان دیگر به جامعه چند قطبی و وجود تکثر سیاسی در کشور است. خود ما جزء کسانی هستیم که معتقد به حاکمیت انحصاری یک طیف نیستیم، معتقد به تک قطبی شدن جامعه نیستیم، بنابراین برای جلوگیری از تک قطبی شدن جامعه و برای مقابله با چنین قضیه‌ای که برای آینده نظام، مضر و حتی خطرناک می‌دانیم، همه نوع همکاری و هم‌فکری با جناح‌های دیگر به شرط این که به اصول ارزش‌هایمان لطمه نزنند می‌پذیریم. اگر کسی از ما بخواهد بگوییم که مثلاً ما عدالت اجتماعی را قبول نداریم، یا بگویند آقا شما مخالفت با امریکارا نپذیر و بیابا ما نزدیک شو، ما هرگز با از دست دادن این اصول با هیچ کس همکاری نمی‌کنیم. ولی اگر با حفظ این اصول بتوانیم با جناح‌ها و گروه‌هایی که در انتخابات ریاست جمهوری فعال هستند، همکاری داشته باشیم، خیلی هم خوب و مفید می‌دانیم. اگر کاندیدایی داشته باشیم، مثلاً فرض کنید ما مهندس موسوی را کاندیدا کردیم. به ظاهر به نظر می‌رسد که در کارگزاران هم اگر مهندس موسوی به میدان می‌آمد، از او حمایت می‌کنند. آیا این بدان معنی است که ما در مواضع اصولی مان کوتاه آمده‌ایم؟ خوب کارگزاران هم دلشان خواسته از مهندس موسوی، کاندیدایی که دیدگاه‌ها و مواضعش با اصول ما می‌خواند حمایت کنند، چه اشکالی دارد؟ چه گرفتاری دارد؟ خوب دوستان ما که این حرف را می‌زنند بدشان می‌آید که ما از این کارهان‌کنیم تا در اقلیت قرار بگیریم. آقایان هم در مجلس، رئیس مجلس‌شان مثلاً با ۲۰۰ رأی برنده شود و هم در ریاست جمهوری مثلاً با ۲۰ میلیون رأی کاندیدایشان برنده

شود. خوب برای ما هم خیلی طبیعی است که آقایان اعتراض دارند ولی ما اگر اصولمان را حفظ کنیم و در عین حال کاندیدایمان مورد حمایت گروه‌های دیگر باشد، جمعیت دفاع از ارزش‌ها تأیید کنند، کارگزاران تأیید کنند، گروه‌های همسو با مؤتلفه تأیید کنند، چه فرقی می‌کند؟ چه اشکالی دارد؟

به اعتقاد ما انتخابات ریاست جمهوری آینده، نقطه مهمی برای تعیین سرنوشت کشور و نظام است از این باب که جامعه تک قطبی شود یا چند قطبی، تکثر حاکم شود یا انحصار حاکم شود. لذا این مهم‌ترین مسئله برای ما است که با حفظ اصول بتوانیم مانع از ایجاد یک جامعه تک قطبی شویم.

س - چگونه است که با مسائل فکری و چالش‌های اندیشه مطروحه از جانب امثال آقای سروش برخورد می‌کنید؟ آیا خلع یدروز افزون امثال حزب‌الله از سوی جناح شما، متناقض ادعای مذکور نیست؟

مهندس مرتضی نبوی: مطلبی که آقای بهزاد نبوی در مورد نیروهای همسو با روحانیت گفتند واقعیت نداشت. درست می‌گویند، در یک مقطعی پیشنهاد جناب آقای هاشمی این بود که کارگزاران در تهران لیست مجزایی نداشته باشند. اخبار رسیده حاکی از این بود که صحبت از کاندیدا شدن آقای امام جمارانی و آقای انصاری از بیت حضرت امام و این طور افراد است، بعدها که با این آقایان صحبت شد، خودشان نپذیرفتند که کاندیدا شوند، افراد دیگری از سوی کارگزاران مطرح شدند که اصولاً از طرف خود شورای روحانیت مورد قبول قرار نگرفت. این که فرمودند چون گروه‌های همسو با روحانیت نپذیرفتند، روحانیت هم مجبور شد که نپذیرد و بحث اصرار آقای هاشمی و بعد پذیرفتن روحانیت و بعد مصادیق دیگر رسید، واقعیت ندارد. در مرحله‌ای تشکل‌های همسو پیشنهاداتشان را که شاید در حدود یک لیست ۵۰ نفره بود، به جامعه روحانیت داده و منتظر بودند که آنها نظر نهایی‌شان را بدهند و در همین مقطع بود که شورای روحانیت آن اسامی و مصادیق که آقای هاشمی در جلسه اولیه پیشنهاد کرده بودند را نپذیرفت. در مورد ائتلاف، آن مقدار که ما در مجلس هستیم، یک مقدار فراتر از آن بود که آقای بهزاد نبوی می‌گویند. در حال حاضر مجلس پنجم، اصولاً ائتلاف تعریف شده و مقطعی بین نمایندگان خط امام و ائتلاف خط امام و کارگزاران نیست. جلسات گروهی به صورت هماهنگ انجام می‌شود، یعنی چیزی که الان به اسم مجمع حزب‌الله مجلس مطرح است و بعضاً اعلام مواضع می‌کند، اینها ترکیبی از کارگزاران و ائتلاف خط امام است که هیئت رئیسه مشترک و جلسات مشترک دارند و ائتلاف تعریف شده در مواضع خاصی نیست و بحث است که اینها قاعدتاً مواضع اقتصادی‌شان با نیروهای خط امام، هماهنگ نیست و این سؤالی بود که مطرح بود، ضمن این که بنده هم نمی‌خواهم بگویم که ائتلاف، عملی است که نباید انجام شود و در صحنه سیاسی، ائتلاف انجام می‌گیرد. اما در مورد سؤالی که مطرح شد باید بگویم، ما با چالش‌های فکری موافق هستیم و اگر برخورد با دکتر سروش را قبول داریم، برخورد فکری با ایشان را قبول داریم و کاملاً ما هم با تک‌قطبی شدن یا انحصارگرایی در زمینه سیاسی در جامعه مخالفیم و عواقب این امر نیز معلوم است. انحصارات سیاسی منجر به دیکتاتوری می‌شود و در آن تردیدی نیست، لذا معتقد به این هستیم که گروه‌هایی که البته در چارچوب نظام بود و معتقد به مبانی نظام می‌باشند، اینها باید در صحنه باشند و رقابت و فعالیت داشته باشند که در مجلس پنجم شما شاهد آن بودید. در سیاست‌گذاری هم همین است؛ و تأکید مؤکد رهبر معظم انقلاب نیز به همین است. همه گروه‌های سیاسی، آنهایی که معتقد به موازین نظام و قانون اساسی هستند، صحنه‌ها را پر نشاط کنند و خود این برخوردهای فکری و رقابت‌ها، اغلب باعث رشد سیاسی مردم نیز می‌شود. لذا برخورد ما هم با آقای دکتر سروش یک برخورد فکری بوده است، اما در مورد انصار حزب‌الله باید عرض کنم که اگر

برخوردهایی فیزیکی پیش آمده ما هیچ جایی آن را تأیید نکرده و نمی‌کنیم. معمولاً خود انصار حزب الله هم قبول نمی‌کردند که خواهان برخورد فیزیکی باشند و مثلاً می‌گفتند که ما می‌خواهیم که آقای دکتر سر و ش در جلساتی که در دانشگاه دارد به سؤالاتی که داریم پاسخگو باشد.

مهندس بهزاد نبوی: البته عرض بنده در خصوص گروه کارگزاران، نقل به مضمون کلام آقای هاشمی بود که از وسایل ارتباط جمعی هم پخش شد، در جلسه هیئت دولت در مورد علت شکل‌گیری کارگزاران صحبت کردند و گفتند که اول توافق شد و بعد مخالفت، بله شاید تشکل‌های همسورا ایشان آن موقع نگفتند ولی این که گفتند اولش توافق شد و بعد به دلایلی که ما سؤال کردیم، نظر عموم این بود (بنده این را در جایی خوانده‌ام که یکی از آقایان این را گفته‌اند) که جامعه روحانیت هم موافقت کرد ولی تشکل‌های همسو موافقت خود را اعلام نکردند. فرمودند مجمع حزب الله در مجلس تشکیل می‌شود، مورد خاص از نمایندگان کارگزاران و نمایندگان خط امامی، این هم چیز پوشیده‌ای نیست، درست است ولی حدوداً وجوه اشتراک اینها همان مسائلی است که عرض کردم. اگر شما مصوبات و تصمیمات مشترک این جمع را بررسی کنید، می‌بینید که همه‌شان در جهت و راستایی است که با اصول نیروهای خط امام هیچ تعارضی ندارد. مهم‌ترین حرف آقایان، اعلام نامزدی آقای مهندس موسوی بود. خوب طبیعی است که نمایندگان خط امام نمی‌توانستند مخالف باشند، در کمیسیون (ماده ۱۰) احزاب برای نمایندگان مجلس در آن کمیسیون نامزد مشترک داده‌اند، این کاری صحیح بوده و بایستی که به همین شکل صورت گیرد چون ما معتقدیم که دوستان آقای مرتضی نبوی، خیلی از این مواردی که می‌گویند، با بعضی از دوستان تطبیق نمی‌کند.

دوستان آقایان مثلاً به کمیسیون ماده ۱۰ احزاب بروند و بنابراین اجازه دارند که به یک حزب اجازه تأسیس ندهند. خوب طبیعی بود که دوستان ما باید با کسانی در مجلس نزدیک می‌شدند که این اعتقاد را نداشته و معتقد به تکثر هستند. معتقد به حضور افراد و گروه‌های مختلف هستند. ممکن است آقای مرتضی نبوی بگویند که بله زمانی که کمیسیون ماده ۱۰ کاملاً در اختیار طیف ما بود، ۱۵ سازمان و حزب فعالیت خود را شروع کردند ولی از آن ۱۵ سازمان و حزب هیچ حزب و سازمان قابل ذکری در میان نیست که بشود روی آن حساب باز کرد و آن را نشانه اعتقاد آن جمع و تکثر سیاسی دانست. دوستان ما در مجلس، در این قبیل اموری که تکثر سیاسی است با نمایندگان کارگزاران هماهنگی دارند، چون آنها هم به دلایل دیگری معتقد به تکثر سیاسی هستند، اما چون این مسئله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، هر کسی که معتقد به تکثر باشد، باید همکاری و همراهی داشته باشد. به همین دلیل در حال حاضر با جمعیت دفاع از ارزش‌ها هم روابط خوبی داریم. به دلیل این که آنها هم از تکثر سیاسی دفاع می‌کنند. اگر مجموعه دوستان آقای مرتضی نبوی هم معتقد به تکثر سیاسی باشند و در عمل نیز این را به اثبات برسانند، با اینها هم می‌توانیم ارتباطاتی داشته باشیم، اصلاً آن بحث منتفی می‌شود. به رغم فرمایش خیلی محکم و روشن آقای مرتضی نبوی که فرموده‌اند ما معتقدیم اگر حاکمیت انحصاری ایجاد شود، مدیریت استبدادی ایجاد شود، ما احساس خطر می‌کنیم، خوب وقتی این را می‌بینیم و بعد در بولتن شما می‌خوانیم که کسی شایستگی ریاست جمهوری دارد که اول توافق اهل حل و عقد را به دست آورد، احساس می‌کنیم وقتی شما حاکم شدید، جمعی خواهند بود به نام جمع حل و عقد که ان شاء الله مثلاً فقط جمعیت مؤتلفه نیست، چون آن موقع که این حرف را می‌زنیم، هنوز روحانیت مبارز و مدرسین از آقای ناطق حمایت نکرده‌اند، شما می‌گویید که کاندیداتوری آقای مهندس موسوی مورد توافق اهل حل و عقد نیست، خوب آدم می‌ترسد، مارگزیده از

ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد، می‌گوییم: شما که فردا حاکم شدید می‌آیید مجلس و همه این حرف‌ها را تعطیل می‌کنید، یک اهل حل و عقدی پیدا می‌شوند و آنها مشخص می‌کنند که چه کسی صلاحیت دارد وزیر شود، چه کسی صلاحیت دارد رئیس جمهور شود. به همین دلیل مانگرانی داریم از این مسئله اگر ان شاء الله شما هم دیدگاه‌هایتان عوض شده باشد یا عوض شود از نظر ما هیچ مشکلی نیست و طبیعی است که هماهنگی ما با گروه‌هایی مثل جمعیت دفاع از ارزش‌ها، یا کارگزاران هم در این زمینه متفتی خواهد بود.

آقای مهندس مرتضی نبوی فرمودند که هیچ نیروی مسلحی در انتخابات دخالت نکرده‌اند، اگر دخالتی هم شده، از سوی بسیجی‌ها بوده است. توضیح من این است که بسیجی‌ها یعنی چه؟ یعنی فرد فرد بسیجی‌ها یا سازمان بسیج؟ چون می‌دانید که سازمان بسیج یک سازمان رسمی و تحت فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. من در نواری از یکی از فرماندهان بسیج که در حضور آقای ناطق صحبت می‌کرد شنیدم که می‌گفت: حاج آقا من این طور بگویم، طی یک هفته مرحله دوم انتخابات ماکاری کردیم کارستان. در شرق تهران ما حزب الله را حاکم کردیم و نگذاشتیم که یک نفر غیر حزب‌اللهی از آنجا بیرون بیاید. اینها عین جملات نیست بلکه نقل به مضمون است، ایشان می‌فرمودند و افتخارشان این بود که در روز انتخابات حدود ۵۰-۶۰ فاکس به فرمانده سپاه زده‌اند و اوضاع صندوق‌های اخذ رأی را گزارش کرده‌اند و ساعت ۶، فاکس زده‌اند که عملیات در شرق تهران با موفقیت خاتمه پیدا کرده است. عین این جملات را خودش می‌گوید، حال نمی‌دانم بسیجی‌ها بودند، چون ایشان فرمانده بسیج شرق تهران است، حکمش را هم از سپاه گرفت. چنین جملاتی را وقتی مطرح می‌کند و به فرماندهی سپاه هم فاکس می‌زند، مگر سپاه مسئول انتظامات انتخابات است؟ مگر بسیج مسئول انتظامات بوده که فاکس می‌زده و می‌گفته آقا اینجا همه چیز به خوبی پیش رفت و حزب الله حاکم بود و نمی‌دانم کسی که جواب ایشان را داده بود آقای رضایی بود یا چه کسی بود خندید و گفت: تو از کجا فهمیدی؟ گفت، به او گفتم که آقا مطمئن و خیالتان راحت که از این منطقه هیچ مشکلی نخواهید داشت، اینجا در تصرف حزب‌الله است و حزب‌الله توانست در شرق تهران موفق شود. آقایانی که در تهران بودند، تراکت‌های کوچک سبزرنگی را دیدند که در تهران و سر صندوق‌های اخذ رأی پخش شد. آن ترکیب کاندیداها هرگز در هیچ روزنامه‌ای چاپ نشد، و اصلاً این لیست بعد از پایان مهلت توسط جریاناتی چاپ شد و در سر صندوق‌ها پخش شد و با ارائه مدارک شکایت هم کردیم. آقای مرتضی نبوی می‌توانند در این مورد توضیح دهند که آیا این هم از طرف تک‌تک افراد بسیجی بوده که در پایگاه شهید محلاتی توجیه شدند. این که فرمان عملیات سیاسی در انتخابات دور پنجم از سوی بعضی از ارگان‌های نظامی داده شد، آیا این اقدام چند بسیجی بوده که مثل بچگی‌های ما که مثلاً بازی می‌کردیم به همدیگر فرمان می‌دادند؟ فرمان عملیات سیاسی را چند بسیجی به هم می‌دادند؟ این جمله را شما تا حال نشنیده‌اید که یکی از فرماندهان نیروی‌های نظامی گفته است که این عملیات سیاسی است که ما در پیش داریم و فرمان عملیات سیاسی را به فرماندهان نهاد مربوطه و نیروی مسلح مربوطه داده است.

آقای مهندس مرتضی نبوی: مجدداً آقای بهزاد نبوی ادعاهایی را مطرح کردند که سند و مدرک ندارد و البته در جلسات متعدد از خود آقای بهزاد نبوی شنیده‌ایم. اولین بار در یک اردوی تابستانی دانشجویان بود که این مطالب را در آنجا هم مدعی شدند، بعد من گفتم شما فرمودید دخالت نظامی شده، کجا دخالت نظامی شده، اصلاً من این جمله را نگفته‌ام، که خود دانشجویان گفتند: نوار هست. لذا این ادعا را اگر هم من شنیده‌ام، صرفاً از زبان آقای بهزاد نبوی شنیده‌ام و این مسئله که ایشان می‌فرمایند سخنانی‌های چنین و چنان و با آب و

تاب، اینها بحث‌هایی است که در مورد آن باید مراجع ذیصلاح اظهار نظر کنند، و بالاخره در آن مرجعی که شکایت کرده‌اند، اینها بررسی شده و مشخص شود. ما این مطالب را از شما (آقای بهزاد نبوی) شنیده‌ایم و نه از جای دیگر.

در مورد بحث‌هایی که فرمودند. مثلاً من قبول داشته و اعتقاد دارم این‌گونه است؛ ولی وجه غالب دوستان بنده، انحصار طلب و انحصارگرا هستند، باید بگویم که این طور نیست. بنده از دوستان خودم شاید بیشتر از ایشان مطلع باشم و دوستان و همفکران ما غالباً معتقد به این هستند که باید گروه‌های سیاسی هم فعالیت داشته باشند. در همه محیط‌ها، در دانشگاه‌ها هم این اعتقاد را دارند و در گذشته فعالیت‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها انحصاری بود و این در حقیقت از جانب جناح ما حمایت نمی‌شد. فعالیت انحصاری دانشجویی در دانشگاه وجود نداشت و جریان دیگری این را حمایت می‌کرد. همان زمان ما معتقد بودیم که دانشگاه، بچه‌های مسلمان، دانشجوی‌های مسلمان، ولو در شکل‌های مختلف باید فعال باشند. مقایسه بین رفتار مجلس سوم و چهارم هم نشانگر این امر است. برخوردهایی که در مجلس سوم نسبت به مطبوعات، روزنامه‌ها و مثلاً روزنامه رسالت بود، در مجلس چهارم و در روابطی که بین دو جناح در این مجلس بود و خلاصه در محدودیت‌های اجرایی هم همین طور است. الان شما می‌بینید، که عمدتاً در بدنه دستگاه‌های اجرایی در سطوح مختلف نیروهایی هستند که همان نیروها در زمان آقای مهندس موسوی هم مشغول به کار بودند. لذا من فکر می‌کنم که این نگرانی از طرف جناحی که جناب آقای بهزاد نبوی منتصب به آن می‌باشند بیشتر باشد؛ زیرا به تمرکز کارهای اقتصادی هم معتقد هستند. نتیجه تمرکز کارهای اقتصادی، تمرکز سیاسی هم هست و اگر ما به این معتقدیم که مردم در صحنه باشند و در مسائل اقتصادی شرکت کنند، نتیجه طبیعی‌اش این است که قبول کنیم در مسائل سیاسی نیز حتماً گروه‌های مختلفی باشند. البته به مسئله کثرت‌گرایی هم که اشاره می‌کنند، دو مفهوم دارد: یکی کثرت‌گرایی بین جریان‌ها و جناح‌ها و تشکل‌هایی است که معتقد به مبانی جمهوری اسلامی هستند و دیگری هم که خاستگاه آن لیبرالیسم است در آنجا می‌گوید: اصلاً شما به ارزش‌ها کاری نداشته باشید، هر کسی هر طرز تفکری داشت وارد صحنه شود که بعضی مبین آن هستند، من جمله شاید بعضی مطالب و تحلیل‌هایی که در نشریه بهمن منتشر می‌شد حاکی از این نوع کثرت‌گرایی است.

در مسئله تحلیلی که در خبرنامه تشکل‌های سیاسی آمده بود دوبار نیز اشاره‌ای به اهل حل و عقد کردند. ابتدا بنده این شبهه را از ذهن خارج کنم که ممکن است در مورد رهبر معظم انقلاب به ذهن برسد، که خود رهبر معظم انقلاب، نظر قطعی و تأکیدشان بر حضور جناح‌های مختلف در صحنه انتخابات و داشتن کاندیداهای مستقل خودشان است و این را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌دهند که سبب می‌شود تا مردم هر چه بیشتر در صحنه حضور پیدا کنند. خود ایشان هم می‌دانند که این بحث‌ها بیشتر جنبه لطفیه و مزاح دارد که مثلاً ما در صدد این هستیم که اگر بیاییم روی کار، مجلس را تعطیل کنیم و بگوئیم که چند نفر بنشینند و همه مسائل را حل و فصل کنند. رفتار ما در مجلس چهارم که اکثریت داشتیم روشن است، رفتار دوستان ما هم در مجلس سوم روشن است، فکر می‌کنم تاریخ در قضاوت‌ش اشتباه نمی‌کند، این که من مقایسه کنم و حتی همین مجلس پنجم و خلاصه صرف این که انسان اتهاماتی را بزند و نگرانی‌هایی را داشته باشد که شاید این نگرانی‌ها را اگر بخواهد داشته باشد نسبت به جناح و جریان خودش بیشتر است، مصلحت نیست و خوب است که ما بر اساس واقعیات و آنچه که هست قضاوت کنیم. حال اگر روابط سیاسی هست بسیار خوب

است که صراحتاً مواضع نقد شود، ولی در نقد و برخورد فکری، لازم‌اش این نیست که انسان این نوع اتهامات را به دوستان سیاسی‌اش وارد کند.

مهندس بهزاد نبوی: بنده از جمع حاضر واز برادرمان آقای مهندس مرتضی نبوی هم تشکر می‌کنم و به خصوص در مورد فرمایشاتی که مطرح می‌کنند خوب است این فرمایشات سند شده و ضبط شود و در جاهایی می‌توان از آن استفاده کرد، ما به همین اسناد یک موقعی استناد خواهیم کرد و خدمت ایشان خواهیم رسید.

واقعیت این که من معتقدم اگر واقعاً آقایان این دیدگاه یعنی اعتقاد به انحصار قدرت در دست یک جناح خاص را کنار گذاشته باشند، این عیبی ندارد. در تمام دنیا هم همین طور است، در کشورهای که مدعی آزادی و دموکراسی هم هستند، حتی از نوع غربی آن، یک حزبی اکثریت را به دست می‌آورد. اکثریت کرسی‌های مجلس را، نصف کرسی‌ها را که به دست گرفت، تمام قوه مجریه را در دست می‌گیرد. تمام اداره کشور را آن حزب در دست می‌گیرد. امروز آقای کلینتون روی کار می‌آید، حزب دمکرات تمام مسئولیت‌های اجرایی را در دست می‌گیرد. ولی بین آن نوع به دست گرفتن قدرت، با این که انسان خودش را تنها نماینده خدا در روی زمین و تنها جریان بر حق بداند و بقیه را یکسره باطل بداند و بیاید حاکم شود، تفاوت است. دیگر آن موقع، حکومت را به این سادگی رها نمی‌کند، یعنی برای آن اقلیت دیگری نمی‌تواند حق حیاتی قائل شود. ایشان نمونه‌هایی از مجلس سوم و چهارم می‌آورند، وقتی این نمونه‌ها قابل ذکر و قابل اعتناست که قدرت کامل و واقعی در کشور در اختیار یک جناح قرار گیرد. وقتی جریانی با این دیدگاه که اصلاً حاکمیت از بالا به پایین و نه از پایین به بالا است و خیلی از آقایان هم به خواست خدا معتقد هستند که نمایندگان لطیفه می‌گویند که خدا نماینده ما در آسمان است، نه این که ما نماینده قدرت در روی زمین، حکومت را در دست می‌گیرند، به نظر شما اصلاً اجازه می‌دهند که کسی بگوید بالای چشم‌آبرو است؟ اجازه می‌دهند که کسی مناقشه‌ای وارد کند؟ چون بارها تأکید کرده‌اند که بله گروه‌هایی که در چارچوب نظام و معتقد به مبانی نظام هستند، معلوم نیست که این مبانی و چارچوب‌ها چیست، آیا قانون اساسی است؟ این را صریح بگویید. اگر هر گروهی قانون اساسی جمهوری اسلامی را قبول داشته و حاضر شود که در چارچوب قانون اساسی فعالیت کند، اجازه فعالیت به او می‌دهند. اجازه انتقاد به او می‌دهند، یا هر کسی مثلاً مخالفت کرد، مثل همان دوره چهارم، شعارتان این بود که مخالف هاشمی دشمن پیغمبر است، این شعار را همه‌مان شنیدیم. اصلاً چنین شعاری از سوی طرفداران و دوستان ایشان مطرح نشده است، می‌دانید این شعار چقدر خطرناک است؟ مخالف هاشمی دشمن پیغمبر است، یعنی این که محدورالدم است، یعنی سرش را باید گذاشت لب باغچه و برید. خوب حالا امروز آقای هاشمی بود که خوشبختانه وضع فرق کرده، می‌شود در ضمن حمایت از هاشمی مخالف هاشمی هم بود حالا این دفعه فهمیدیم که این جور می‌شود. ولی اصلاً وقتی این باب باز شد که هر کسی مثلاً مخالف من بود، چون مخالف هاشمی، مخالف رهبری است مخالف رهبری، مخالف خدا و پیامبر است، پس کارش تمام است. اگر این تفکر بر جمع شما حاکم باشد شما نمی‌توانید کسی را تحمل کنید و حالا هم که تحمل می‌کنید نظام هنوز متکثر است. در قوه قضاییه همه‌اش دست شما نیست. در مجلس همه‌اش دست شما نیست، یک موقعی که همه‌اش به دست شما رسید همه قدرت‌ها در دست شما بود، ممکن است که به حرف خود شما هم گوش نکنند یعنی حکومتی که از بالا به پایین اداره می‌شود و مستقیماً ارتباط بی‌سیم با ماورای طبیعه دارد، دیگر به بنده ناقابل حساب پس

نمی‌دهد.

اگر من هم کاری کرده‌ام، خیلی بد کرده‌ام. البته این شعار را به این شکل شنیده‌ام. ۹۹ نفر در مجلس دوم به مهندس موسوی رأی ندادند، بنده هرگز اینها را ضد ولایت فقیه ندانستم. آن موقع ندانستم و الان هم نمی‌دانم، یک جمله هم از ما ندارید که گفته باشیم ضد ولایت فقیه. منتها این که الان ناراحت می‌شویم چرا مثلاً دوستان ما خود را خط امامی می‌دانند و نمی‌گویند دوستان شما خط امامی هستید، می‌گوییم، در خط امام بودن و نبودن، اینها معلوم می‌شود. وقتی امام کتباً می‌نویسد که من مثلاً مهندس موسوی را صالح و درست می‌دانم، ۹۹ نفر از حق قانونی و طبیعی خودشان استفاده می‌کنند و به مهندس موسوی رأی نمی‌دهند، می‌گویند که ما این تشخیص امام را نداریم. می‌گوییم خوب اینها خط امامی نیستند ولی ولایتی هستند و می‌بینید که ما آن طور موضع‌گیری نداریم. اصلاً هیچ وقت بحث خودمان را با مخالفان سیاسی خودمان به این که کسی که مخالف ما است بی‌دین است. کافر است و محدودالدم است، نکشانیم. دید شما این است که مخالف هاشمی، دشمن پیغمبر است. می‌دانید معنی این حرف چیست؟ با دوست عزیز مشترکمان آقای احمد توکلی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۱ صحبت می‌کردم، می‌گفتم عزیز من اگر بتوانی قبول کنی که ما هم مسلمان هستیم، ما هیچ مشکلی با هم نداریم. تو قبول کن که ما هم مسلمان هستیم. ولی مگر مسلمان احمق نمی‌شود، یک نفر مسلمان احمق هم باشد. یکی مسلمان باشد، کج فهم هم باشد. و ایشان می‌خندید، خیلی محکم می‌گفت که ما یک جور مسلمان بیشتر نداریم. مسلمان یک جور است، ده جور که نیست. می‌دانم ممکن است که شما این اعتقاد را نداشته باشید حداقل بعد از این که مثلاً امام (ره) در جواب آقای راستی فرمودند: نه، من شمارا منحرف نمی‌دانم، مطالب آقای راستی را تأیید نمی‌کنم. در مورد انحراف شما شاید آنهایی که واقعاً مقلد امام بودند می‌گفتند که می‌شود کسی با شما مخالف باشد ولی به آن معنا که شما می‌گویید منحرف نباشد. جور دیگری بیانید. یا بعد از این که امام مجمع روحانیون مبارز را به انجام فعالیت تشویق کردند، شاید برای مقلدان امام روشن شده باشد که دو جور مسلمان هم می‌تواند باشد. اگر شماها هم پذیرفتید که دو جور مسلمان هست، مشکل حل است. منتها من تا آنجایی که خبر دارم و با دوستان مختلف شما هم صحبت کردم، پذیرش دو جور مسلمان، خیلی سخت است. آقایان می‌گویند یا اعدام باید گردد، یا آزاد باید گردد و وسط ندارد. این حرف‌هایی که می‌زنم ان شاء الله تماماً غلط و دوستان شما همین جور باشند که شما می‌فرمایید. همین جوری باشند که معتقدید. حق حیات و حق نفس کشیدن برای تمام جریانات که خودشان را مسلمان می‌دانند قائل شوند هر وقت مرا جایی پیدا می‌کنید و یقه‌ام را همانجا می‌چسبید بگذارید من ادعا کنم، اگر من ادعا کردم که مسلمان هستم و قانون اساسی را قبول دارم، شما من را تحمل کن، اگر این کار را کردی، این که شما معتقد به سوسیالیسم هستی یا سرمایه‌داری؟ شما معتقد به طبقه سرمایه‌دار و بازاری هستی یا طبقه کارگر و اینها مسئله‌ای نیست و قابل حل است، مهم این که ما همدیگر را به عنوان جریانات مسلمان قبول داریم.

آقای سید مرتضی نبوی: ما قضاوت را به عهده دانشجویان می‌گذاریم، زیرا سوابق سیاسی و رفتار گروه‌ها، مبین این مسئله است. قاعدتاً اینجا هم بنده و هم آقای بهزاد نبوی با انحصارگرایی مخالف هستیم، به هیچ وجه این طور نیست که ما بگوییم اسلام ایشان را قبول نداریم. ایشان وقتی مسلمان باشند، همه ما باید بر اساس این که خودشان می‌فرمایند مسلمان هستند ایشان را مسلمان می‌دانیم و تجسسی هم لازم ندارد. شورای نگهبان هم صلاحیت ایشان را تأیید کرد، پس ما حتماً باید ایشان را مسلمان بدانیم. من فکر می‌کنم که

این نگرانی‌ها یک وقتی از نظر روانی، مطرح است و انسان این نگرانی را به دیگران منتقل می‌کند. واقعاً زمانی که اکثریت در مجلس سوم دست جناح دوستان و آقایان بود، به هیچ وجه نمی‌توانستند انتقادی را از روزنامه رسالت بپذیرند. هر روز یک ادعای علیه روزنامه رسالت صادر می‌کردند، یک روز می‌گفتند که حرف امام را تحریف کرده‌اند، یک روز دیگر به نوع دیگری برخورد می‌کردند. نسبت به مسئله حضرت امام و مطلبی که راجع آقای مهندس موسوی فرمودند، در آن نامه خود امام مرقوم فرموده بودند، این نظر من است، شما ببینید که هر طور مصلحت دیدید و تشخیص دادید رأی بدهید. یک عده هم بر اساس همین جواب حضرت امام این طور تشخیص دادند. بعد از آن حضرت امام نهی کردند از این که برخورد شود، منتها شما می‌بینید که این برخورد ادامه دارد. همین حالا هم می‌گویند که شما ضد امام هستید، منتها این تفکیک سیاسی را هم قاعدتاً خود آقای بهزاد نبوی می‌کنند، این مطالبی که می‌دهند، هم‌اشاره سوابق و شروع آن و رفتارهای این چنین انحصار طلبانه، چه در دانشگاه، چه در مجلس و چه در جامعه، به نظر بنده یک مقدار از آن به دوستان ما بر می‌گردد. من نمی‌گویم بلکه تمام دوستان این مسئله را در مورد آن جریانی که در مجلس یا در دانشگاه حاکم بود می‌گویند. به هر حال دو جریان به این نتیجه رسیده باشند که انحصار طلبی بد است و ما باید همدیگر را تحمل کنیم.